

میدون و سوفیا

شما با چی حال می‌کنی؟



پوریا عالمی

- بابای سوفیا به من گفت: میدون جان، شما با چی حال می‌کنی؟

گفتم: من با اینترنت خیلی حال می‌کنم. هر شب سوفیا را لایک باران می‌کنم توی اینترنت. بابای سوفیا گفت: اینترنت را قطع کنید. فیلتر کنید. سرعتش را کم کنید. گران کنید.

بابای سوفیا گفت: میدون جان، دیگر با چی

حال می‌کنی؟

گفتم: من با فوتبال خیلی حال می‌کنم. عاشق این هستم که با سوفیا برویم بازی استقلال – پرسپولیس، کل‌کل کنیم.

بابای سوفیا گفت: ورزشگاه را قفل کنید. ممنوع کنید.

بابای سوفیا به من گفت: میدون جان، شما دیگر با چی حال می‌کنی؟

گفتم: من با کنسرت هم خیلی حال می‌کنم. برویم کنسرت دوتایی با سوفیا... بعد وقتی چراغ‌ها خاموش است و خواننده رفته توی حس، ما هم مثل دیگران چراغ موبایلمان را توی تاریکی روشن کنیم و مثل شمع توی هوا تکان‌تکان بدهیم.

بابای سوفیا گفت: کنسرت را لغو کنید.

بابای سوفیا به من گفت: میدون جان، دیگر با چی حال می‌کنی؟

گفتم: من با زندگی بی‌دغدغه هم خیلی حال می‌کنم. با سوفیا بدون دغدغه زندگی کنیم و کیف کنیم.

بابای سوفیا گفت: زندگی را قطع کنید. سرعتش را کم کنید. گران کنید.

بابای سوفیا به من گفت: میدون جان، شما

دیگر با چی حال می‌کنی؟

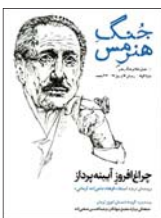
گفتم: من با شما هم خیلی حال می‌کنم. بابای سوفیا گفت: من را هم قطع کنید. حذف کنید...

جمع‌بندی

سوفیا... عشقم... تقصیر من نیست گلم... بایات داشت به من سخت می‌گرفت، خودش سختش شد. قربان تو! میدون دوم.

پیشنهاد

چراغ‌افروز آینه‌پرداز در هرمس



● شماره هفت و هشت فصل‌نامه «جنگِ هرمس» زمستان ۹۶ و بهار ۹۷ در یک جلد منتشر شد. در این دو شماره فصل‌نامه فرهنگ

و هنر استان کرمان

که سیدعلی میرافضلی مدیرمسئول و مجتبی احمدی سردبیر آن است، پرونده ویژه‌ای درباره استاد فرهاد ناظرزاده‌کرمانی منتشر شده که تقریباً نیمی از ۳۰۴ صفحه این مجله را دربر گرفته است. مجتبی احمدی، فرهاد احمدپور، رضا کوچک‌زاده، رفیق نصرتی، رحمت امینی، مهرداد رایانی‌مخصوص و منوچهر اکبرلو از جمله نویسندگان مقالات، یادداشت‌ها و مصاحبه در پرونده دکتر فرهاد ناظرزاده‌کرمانی هستند و علاوه‌بر این نوشته‌ها در بخش «چراغ‌افروز آینه‌پرداز» دو نمایش‌نامه کیمیا از ناظرزاده با عنوان «کنار شیر آتش‌نشانی» و «پنج‌راهی بر بادها» منتشر شده است. بخش ادبیات داستانی ویژه «داستان کرمان» از جمله شامل سیری در ادبیات داستانی کرمان، بخشی از رساله «ان‌شاءالله و ماشاءالله» میرزا آقاخان کرمانی و پرونده‌ای درباره «مجمع دیوانگان» عبدالحسین صنعتی‌زاده است و کتاب‌شناسی هوشنگ مرادی‌کرمانی. شماره هفت و هشت جنگِ هرمس با قیمت ۱۰ هزار تومان عرضه شده است.

نظریه‌ای در باب اقتباس

- اگر طرفدار سینما یا اپرا هستید می‌توانید به نشستی که درباره اقتباس است مراجعه کنید. کتاب «نظریه‌ای در باب اقتباس» یک بازاندرشی است درباره اینکه اقتباس چگونه در انواع رسانه‌ها و ژانرها عمل می‌کند. هاجن در «نظریه‌ای در باب اقتباس» استدلال می‌کند که اگر تصور می‌کنید اقتباس صرفاً در مورد رمان‌ها و فیلم‌ها قابل ادراک است، سخت در اشتباهید. اقتباس همواره سبک اصلی قصه‌گویی بوده و این شایستگی را دارد که در تمامی انواع خود مطالعه و طیف وسیعی را شامل می‌شود؛ به‌عنوان فرایند آفرینش و دریافت با فقط به‌عنوان خود محصول. نشست هنکی شهر کتاب در روز سه‌شنبه، هشتم خرداد، ساعت ۱۶:۳۰ به نقد و بررسی کتاب «نظریه‌ای در باب اقتباس» اختصاصی دارد که با حضور دکتر امیرعلی نجومیان، دکتر محمدجعفر یوسفیان‌کناری و مهسا خداکریمی در مرکز فرهنگی شهر کتاب در خیابان شهید احمد قصیر (بخارست) برگزار می‌شود.

شترق روزنامه

www.sharghdaily.ir

سه‌شنبه ۸ خرداد ۱۳۹۷ ۱۳ رمضان ۱۴۳۹ ۲۹ می ۲۰۱۸ سال پانزدهم ۳۱۶۰ شماره ۱۶ صفحه اذان ظهر تهران ۱۳:۰۲ اذان مغرب ۲۰:۳۳ اذان صبح فردا ۴:۰۷ طلوع آفتاب ۵:۵۱

روزنامه‌فرو

کارتون خواب

علی رومانی

aliromani84@gmail.com



ایستنا: تایید مصوبه تعیین مکان های خاص جهت برگزاری تجمعات



تجربه دیگران

دختر رئیس‌جمهور باید مسئولیت بپذیرد

چلسی کلینتون، دختر رئیس‌جمهور اسبق آمریکا، به‌شدت به دوست سابقش، ایوانکا ترامپ، دختر رئیس‌جمهور فعلی و رقیب مادرش در انتخابات ۲۰۱۶، حمله کرد و گفت اگر دختر رئیس‌جمهور بخواهد از پدر خود جانبداری کند، باید «مسئولیت انتخابش را بپذیرد». او این جمله‌ها را در مصاحبه‌ای با نشریه بریتانیایی گاردین بر زبان آورد که این هفته منتشر شد.

دختر بیل و هیلاری کلینتون در مصاحبه دیگری به مناسبت انتشار کتابی که اخیراً برای کودکان نوشته است، به خود دونالد ترامپ نیز حمله کرد و گفت ترامپ «هرچه را قرار بود آمریکایی باشد، خوار و خفیف کرده است». چلسی کلینتون که اکنون ۳۸ سال دارد، در ۱۲ سالگی به کاخ سفید راه پیدا کرد و «دختر اول» آمریکا شد. وقتی پدرش به یک رسوایی جنسی اقرار کرد که آخرین سال‌های ریاست‌جمهوری بیل کلینتون را در دست‌انداز



انداخت، چلسی ۱۸ سال داشت و هنگام ورود او به دانشگاه استنفورد ۲۵۰ روزنامه‌نگار برای پوشش خبر حضور داشتند. او در مورد مصاحبه ایوانکا ترامپ که پیش‌تر دوستش محسوب می‌شد و در چندین مراسم و مناسبت با هم عکس یادگاری انداخته بودند، گفت: «او (ایوانکا) حالا دیگر یک آدم بزرگ است. خودش می‌تواند تصمیم‌ها و انتخاب‌هایش را داشته باشد. منظورم این است که ۳۶ سالش است. ما در مورد انتخاب‌هایمان مسئولیم». وقتی گزارش‌گر گاردین از چلسی کلینتون درباره این پرسید که آیا در مورد حمایت خودش از رفتار پدر و مادرش همین حکم صادق نبود، گفت: «در سال ۲۰۰۸ من واقعا به این افتخار می‌کردم که از مادرم پشتیبانی کنم. ولی در چند مورد با او اختلاف‌نظرهای اساسی داشتم... من هرگز از این موضع‌گیری‌های مادرم حمایت نکردم، چون به باور من درست نبود».

در سال ۲۰۱۵ و یک سال پیش از جدی‌شدن رقابت میان هیلاری کلینتون و دونالد ترامپ، چلسی کلینتون در مصاحبه با مجله Vogue دوستش را تحسین کرده و گفته بود: «ایوانکا خیلی بی‌شلیقه‌پيله است. همیشه در مورد مسائل دوروبرش آگاه است و حواسش هست به آدم‌های

سلام به فردا

منافع ملی مطرح است، نه دوستی یا دشمنی

لیبی در سال‌های اخیر و نمونه‌های فراوان دیگر. اما نمونه‌ی مذاکره را نیز کم نداریم؛ مانند قرارداد ۱۹۷۵ ایران و عراق و قرارداد الجزایر بین ایران و آمریکا (که البته می‌توانست بهتر تنظیم شود و نتایج بهتری داشته باشد) و نمونه‌های فراوان دیگر. بنابراین آنچه مذموم و قابل اجتناب است تعاملی است که پیش از آن، مذاکره صورت نگرفته باشد اما نفس مذاکره بدون پیش‌شرط و کوتاه‌آمدن ابتدایی یکی از طرفین، هیچ منع و اشکالی ندارد. گفته شده است در ارتباطات بین دول و کشورها دوستی و دشمنی مطرح نیست و آنچه مطرح است، منافع ملی طرفین قضیه یا اطراف موضوع است که اگر به‌نحو متعادل حفظ شود، قابل قبول و دفاع است. بدیهی است دوستان امروز ممکن است دشمنان فردا باشند و بالعکس و از دیرباز تاکنون جز این نبوده است. والله اعلم.

همین حوالی

سیستان وبلوچستان یا دوبی

هلیا آبادی



اگر مجبور به انتخاب بین سیستان وبلوچستان و دوبی شوید، کدام را برای سفر انتخاب می‌کنید؟ این سؤالی است که ایستنا گزارش– گفت‌وگو با علی اوسط‌هاشمی، استاندار پیشین سیستان وبلوچستان را با آن آغاز کرده است. موضوع این است که جواب این سؤال برای بسیاری مشخص است. آنانی که به دوبی می‌روند، قطعا انتخابشان سیستان وبلوچستان، یکی از بزرگ‌ترین استان‌های ایران، نخواهد بود؛ استانی که خاک‌های

آن را برای ساختن جزیره در دوبی با انواع قایق و کشتی قاچاق می‌کنند. استانی که حداقل چندبرابر امارات متحده عربی است. استانی که مای ایرانی‌ها فقط از فقرش شنیده‌ایم و کمبودهایش. استانی که کمبود آب در آنجا پیدای می‌کند و باعث شده گردوخاک در آنجا جزء معضلات اصلی باشد. در آنجا انواع خرید را می‌توانید به واسطه چابهار و قطب تجاری بودن آن، با قیمت ارزان انجام دهید؛ حتی پیدا کردن انواع نوشابه‌ها و شکلات‌های خارجی نیز در آن به‌سادگی و ارزانی ممکن است. استانی که راه‌هایش از نظر ما نامن است و به هرکسی که روانه آنجا می‌شود مدام یادآوری می‌کنیم خطرناک است، شب در جاده نباش، با خانواده نرو و...؛ درحالی‌که امنیت در آن برای مردم عادی فراهم است. در یک کلام، استانی که زیرساخت‌های گردشگری در آن ضعیف است؛ اما بنیاید یک بار هم که شده سفر به سیستان وبلوچستان را امتحان کنید تا زیبایی‌ها را در عین محرومیت از نزدیک درآیید. می‌گویم محرومیت، چون از اینکه چرا این سرزمین باید این‌قدر دچار مشکل، کم‌وکاستی و درگیر با نداری‌ها باشد، تعجب می‌کنیم.

چند نکته‌ای که درباره سیستان وبلوچستان شاید ندانید:

۱– ساحل‌های زیبا به معنی کامل کلمه؛ شاید در دوبی بشود با صرف هزینه، هتل‌هایی با ساحل‌های اختصاصی و استخرهای اینفینیتی داشت؛ اما این استان به آب‌های آزاد اقیانوسی متصل است و بیش از هزار کیلومتر ساحل از جاسک هرمزگان تا چابهار سیستان وبلوچستان وجود دارد، دریاچه صورتی دارد و ساحل‌هایی که می‌توان از آن دریا را که به آب‌های آزاد اقیانوسی متصل است، نظاره کرد.

۲– سر سفره مردمانش ماهی فراوان وجود دارد؛ ماهی‌هایی که شاید طعمش را فقط در جنوب بتوان پیدا کرد. در شیلات آن می‌توان مجموعه‌ای از سفره‌ماهی‌ها، مرکب‌ماهی‌ها و هشت‌پاهایی را دید که شاید در بهترین رستوران‌های آکواریم دوبی نیز پیدا نشوند. هرچند این صیدشده‌ها بلافاصله دوباره به دریا بازمی‌گردند. سؤال اینجاست که چرا یک آکواریم بزرگ، در دریاچه صورتی نمی‌شود؟

دریا مهم‌ترین ظرفیت پنهان این استان است؛ زیرا تا شاخ آفریقا، اجازه صید برای ایرانیان در آب‌های آزاد وجود دارد؛ با این وجود، هنوز شیلات صنعتی منطق با نیاز صیادی در این منطقه وجود ندارد. ۹۰۰ لنج صیادی در این منطقه فعال است و برای توسعه صنعت صیادی، پیشنهاد بورس تن‌ماهی مطرح شده است تا بازاری ملی و منطقه‌ای برای آن راه بیفتد. آن‌طور که اوسط‌هاشمی بیان می‌کند: «کشوری که پنج هزار کیلومتر ساحل دارد، با این میزان دسترسی به منابع دریایی، باید به بورس شیلات جهانی برسد؛ اینک بورس جهانی در تایلند در حال فعالیت است و ما نیز می‌توانیم در منطقه خودمان بورس ماهی راه بیندازیم». پس چرا اینجا بورس شیلات نمی‌شود؟

۳– روستایی به نام «درک» به‌عنوان قطب گردشگری معرفی شده است و بسیاری از گردشگران به اینجا می‌آیند تا در یک افق هم‌کوسر و هم‌درا و هم نخل‌ها را باهم ببینند اما مشکل تمام کارهای افراط و تفریط ایرانی، حیم بالایا علاقه‌مندان، کم‌کم دارند بکربودن ساحل را از بین می‌برند. ماشین‌ها کنار دریا می‌آیند؛ درحالی‌که در خاک نرم کویری آن گیر می‌کنند. موتورسوارها غوغا می‌کنند و سروصدایشان پیدای می‌کند. هیچ گونه امکانات رفاهی در آنجا وجود ندارد. سؤال بعدی این است که چرا؟ هرچند قرار نیست و دعا می‌کنیم مانند شهرهای شمالی نشود و بکربودن جنوب را نیز داشته باشد؛ اما حداقلی از امکانات و رفاه نیاز است.

۴– تنها گل‌فشان فعال ایران در آنجا وجود دارد. جایی که در کمال شگفتی از درون دهانه گل بیرون می‌آید. می‌دانید دین آن چقدر شگفت‌انگیز و هراس‌انگیز است. البته در کنارش انواع کودکانی که دست‌ساخته‌هایشان را به زور به شما می‌فروشند نیز هستند و اگر با خود آب‌معدنی همراه نداشته باشید، حتما دچار تشنگی زاید‌الوصفی می‌شوید. بازمه هیچ امکانات رفاهی‌ای وجود ندارد؛ اما از شما ورودی می‌گیرند که خوش جای شکر دارد.

۵– رقص دلفین‌ها در آب‌های این استان را نباید از دست داد؛ همان‌طور که دیدن سوسمارهای گاندو را. هر دو اینها فرصتی است که فقط در این استان فراهم می‌شود. البته با فاصله زیاد و صرف مقدار زیادی زمان و انرژی.

۶– همیشه از ناامنی‌های این استان گفته می‌شود و کمتر از داشته‌های انسانی و مهربانی مردمش و حضور مؤثر زناشش می‌گویند. برای امنیت در جاده نیز ایست بازرسی‌های متعددی وجود دارد.

چند نمونه از شگفتی‌های استان سیستان وبلوچستان در بالا گفته شد که هرچند در مقایسه با مصنوعی‌بودن دوبی و شهرهایی نظیر آن، قطعا در رده بالایی قرار می‌گیرد؛ اما فراموش نمی‌کنیم بسیاری برای تفریح و استراحت و نه گردشگری، از ایران خارج می‌شوند که با وضعیت دلا، برجام و... می‌توان امیدوار بود ایران و شگفتی‌هایش بیشتر مرکز توجه مردم قرار گیرد.



یهمن کشاورز

مذاکره از باب مفاعله به معنای با یکدیگر گفت‌وگوکردن و با یکدیگر دگرگفتن است و تعامل به مفهوم همکاری است. بنابراین در مذاکره به‌هیچ‌عنوان ابتدائاً موضوع همکاری و همفکری و همراهی مطرح نیست. ممکن است نتیجه‌ی مذاکره، تعامل باشد اما وصول به این نتیجه قطعی و حتمی نیست. در باب مذاکره، جامعه‌شناسان گفته‌اند رویارویی موجودات زنده غیر از انسان به یکی از دو نتیجه منتهی می‌شود؛ یا بروز زدوخورد بین دو طرف که حاصل آن کشته‌شدن یک طرف یا

روایت

ایران، کشوری که دوستش دارم

روبرتو پرپینیانی *



چنین پدیده‌ای روبه‌رو می‌شوید، باید خیلی با احتیاط و ملاحظه به همه‌چیز دقت کنید، چون اگر بدون ملاحظه چیزی را بر زبان بیاورید، از روی نادانی و غفلت چیزی بر زبان آورده‌اید! ولی نکته جالبی که در مورد مردم ایران وجود دارد و در اینجا احساس کردم این است که اگرچه با زندگی این مردم و مسائل اساسی زندگی آنان آشنا نیستم، اما آن‌قدر خوش‌اقبال بودم که وقتی به اینجا رسیدم، بلافاصله آن‌قدر احساس راحتی کردم که انکار در خانه خودم هستم! احساس می‌کنم چیز خوشحال‌کننده‌ای هست که به من این احساس راحتی را می‌دهد و باعث می‌شود اینجا راحت باشم. من کشور شما را دوست دارم. * تدوینگر ایتالیایی. وی کارش را در سال ۱۹۶۲ با دستیاری اورسن ولز در تدوین «در سرزمین دن‌کیشوت» و «محاکمه» شروع کرد و تدوینگر آثار برناردو برتولوچی از فیلم «پیش از انقلاب» تا «استراتژی عنکبوت» و «آخرین تانگو در پاریس» بود و از سال ۱۹۶۸ همکاری با پائولو و ویتوریو تاولیانی را شروع و ۱۸ فیلم را برای آنها تدوین کرد. از جمله آنها می‌توان به فیلم‌های «زیر نشان عقرب»، «آلونسافنان»، «پدرسالار»، «شب سن‌لورنزو»، «کانوس»، «صبح بخیر بابل»، «سزار باید بمیرد»، «بوکاپیو باشکوه» و «یک سؤال خصوصی» اشاره کرد. پرپینیانی فیلم «محمد رسول‌الله» (ص) را نیز برای مجید مجیدی تدوین کرده است. این یادداشت کوتاه در اردیبهشت‌ماه ۹۷ از او گرفته شد که برای برگزاری کارگاه‌های تخصصی در جشنواره جهانی فیلم فجر به تهران آمد.

آسمان جهان

۱۰ کشور برتر برای مهاجران



مهاجرت به یک کشور جدید معمولاً به معنای شیوه جدید زندگی؛ چه نحوه زندگی و چه در محیط کار است.

InterNations، بزرگ‌ترین

شبکه جهانی مهاجران، ۱۰ کشور برتر جهان را

براساس تعادل بین کار و زندگی معرفی کرده است. این رتبه‌بندی بر اساس گفت‌وگو با حدود ۱۳ هزار مهاجر در ۱۸۸ منطقه جهان انجام شده است. در این نظرسنجی مشخص شده که از نظر افراد ساعت کار کمتر، دلیل بهبود وضعیت زندگی یا شادبودن آنها نیست، بلکه افرادی که تعادل بین کار و زندگی‌شان به نحو بهتری برقرار است، شادتر هستند. آنها لزوما ساعات کمتری کار نمی‌کنند، این کیفیت زندگی خارج از کار است که به نظر می‌رسد افراد را خوشحال‌تر می‌کند.

۱۰. مالت: جایی که مهاجرانی که تمام‌وقت کار می‌کنند (حدود ۴۳/۹ ساعت در هفته)، کمتر از میانگین جهانی (۴۴/۳ ساعت در هفته) است. بسیاری از مهاجران در این کشور گزارش دادند که درآمد قابل ملاحظه‌ای دارند به طوری که به‌اندازه کافی برای پوشش همه چیز کفایت می‌کند. ۹. عمان: ۳۸/۵ ساعت در هفته. در حالی که اکثر مهاجران راضی هستند. ۸. هلند: ۴۲ ساعت در هفته. اکثر مهاجران گزارش دادند که به‌خصوص با رشد اقتصادی و بازار کار در کشور خوشحال هستند. یک مهاجر گفت: «زندگی بدون دردرس و بسیار آرامی داریم».

۷. کاستاریکا: ۴۴/۳ ساعت در هفته.

۶. سوئد: ۴۲/۳ ساعت در هفته. اکثر پاسخ‌دهندگان در اینجا با چشم‌انداز، امنیت و فرصت‌هایی که در دسترس است، خوشحال‌اند.

۵. نیوزیلند: ۴۲/۳ ساعت در هفته. اکثر مهاجران با هدف زندگی بهتر به این کشور آمده‌اند و صاحب «سبک زندگی معمولی و دوستانه» شده‌اند.

۴. جمهوری چک: ۴۲/۹ ساعت در هفته، طولانی‌ترین ساعت کاری را در بین این ۱۰ کشور دارد، با وجود این، مردم از کیفیت زندگی در اینجا لذت می‌برند.

۳. نروژ: ۴۲/۹ ساعت در هفته.

۲. آلمان: ۴۲/۹ ساعت در هفته. اکثر پاسخ‌دهندگان در اینجا با مشاغل خود و همچنین زندگی فراتر از انتظاری روبه‌رو شده‌اند.

این کشور عربی در فهرست کشورهایی با بهترین چشم‌اندازهای حرفه‌ای برای زنان و مکان‌های خوشایند جهان شناخته شده است.

۱. دانمارک: ۳۹/۷ ساعت در هفته، کوتاه‌ترین هفته کاری در این فهرست. طبق این نظرسنجی هنگ‌کنگ، یونان، ایتالیا، کویت و ژاپن به عنوان کشورهای دارای بدترین تعادل بین کار و زندگی در جهان هستند.